اخبار سیاسی
ترجمهٔ آقا سید حسین شیرازی از هندی

کتابچهٔ اول

از روزنامجات شهر صفر

سنه ۱۳۰۱

افغانستان نامه‌نگار کوه نور می‌نویسد که چون مطالعه‌کنندگان این اخبارنامه جهة اطلاع از اخبار افغانستان بسیار اشتیاق دارند لهذا همه مطالب مندرجه ذیل را از بعضی از روزنامهای هندی و انگلیسی منتخب نموده و در اینجا درج می‌نمائیم تا ملاحظه‌کنندگان از وضع حالیهٔ آن مملکت و امیر آنجا مطلع شوند صاحب اخبارنامهٔ عام مطبعهٔ لاهور مورخهٔ پنجم ماه دسامبر ۱۸۸۳ می‌گوید که در این روزها معاملات افغانستان بسیار پیچیده بنظر می‌آید.

از قرار تقریر بعضی از معتبرین که در این روزها از جلال‌آباد وارد شهر پیشاور شده‌اند بوضوح پیوست که در قریهٔ یار محمد خان که در نواح جلال‌آباد و قرب ییلاق واقعست یکدسته از افواج امیر عبدالرحمن خان مع منشی گنیش داس نامی

متوقف بوده‌اند طایفهٔ شنواری چند نفر از سواران خود را شبانه بر سر ایشان فرستاده ده نفر از سپاهیان فوج را با منشی مزبور بقتل رسانیده و رفته‌اند نگارنده می‌نویسد که بیچاره شنواریان هر قدر اغتشاش و فساد در ملک افغانستان بکنند حق دارند زیرا که امیر کابل چندی قبل با مشارالیهم معاهده کرده و بکلام الله قسم یاد کرده بود که آنچه از کسان من در نزد شما مقید هستند آنها را رها کنید منهم پس از ورود بکابل کسان شما را که در نزد ما محبوس‌اند رها کرده و نزد شما می‌فرستم طایفهٔ شنواری نیز بر اقوال امیر اعتماد کرده و تمام اشخاصی را که از سپاه امیر عبدالرحمن خان اسیر و دستگیر کرده بودند تماما را رها کرده و نزد امیر کابل فرستادند و اما امیر عبدالرحمن خان بر قول و اقرار خود عمل ننمود پس از ورود بکابل تمام شنواریان را که در حبس او بودند با غل و زنجیر بطرف ترکستان فرستاد و طایفهٔ شنواری از ملاحظهٔ این خلاف عهد و قرارداد امیر عبدالرحمن خان بنای فساد و اغتشاش را گذارده‌اند و مسلم است که خلاف عهد و نقض پیمان عملی است قبیح خاصه از امثال پادشاهان

و فرمانروایان **کابل** این روزها یک شخص بعضی از سلسلهٔ تجار از طرف
کابل بلاهور آمده و چنین خبر میدهد که در این روزها امیر عبدالرحمن خان بسیاری
از افاغنه را بکشان اینکه از معاونین امیر ایوبخان اند همه را بقتل رسانیده
و جمعی از اعیان را که سابق در ملازمت مرحوم امیر شیرعلیخان بوده اند از
افغانستان اخراج کرده و روانه پیشاور نموده است .

مأموریکه از جانب دولت علیّهٔ ایران بکابل آمده بود و چندی مریض بود
پس از صحت یافتن در تاریخ بیستم نوامبر بطرف ایران مرجعت کرد و جنرال
غلام حیدرخان هم بهمراه او رفته است و از جمله اشیائیکه امیر عبدالرحمن خان
برسم هدیه و تحفه از برای اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران فرستاده است
یک غلیان طلاست که مرصع بدانه های الماس است .

از قراریکه صاحبان روزنامهٔ مملکت روس مینویسند در اثبات این معنی نسبت
بامیر کابل سعی مینمایند که این یک لک روپیه که دولت انگلیس بطور ماهانه بامیر
کابل میدهد مشارالیه آن مبلغ را در فتح و تسخیر ملک بدخشان بمصرف میرساند

و مقصود او از این حرکت این است که در سرحدات روس یک محل جنگی برای خود
حاصل نماید **روس و مرو** نامه نگار کوه نور مینویسد که صاحب
روزنامهٔ پطرزبورغ که از جملهٔ روزنامجات دولتی روس شمرده میشود این مطلب را
انکار مینماید که دولتین فخیمتین ایران و روس قصد تصرف مرو را داشته باشند
یا باید که در جواب این مطلب چنین گفت که صاحب روزنامهٔ موصوف قول
روزنامهٔ روتر انگلیسی را تکذیب نموده است و با در واقع این مطلب بمنزلهٔ کاغذیست
که از مجلس وزارت خارجهٔ روس حکومتها را مطمئن کرده باشد و نیز هم احتمال
میرود که (ارل گرنیول) از دولت روس سؤال کرده است از تعدیات و عجلهٔ
اشانرا در کار و استیلای آنها در طرف شمالی سرحد خراسان و این کثرت
افواجیکه در تحت اطاعت (جنرال کمارف) هستند و بتاشقند رفته بودند
و حال مجدداً بعشق آباد مراجعت کرده اند و در خصوص این عهد و پیمان خفیه
که با دولت علیّهٔ ایران منعقد کرده اند ممکن است که مطالبه جواب کرده باشد
دولت روس هم محض اسکات مشارالیه و دور کردن او از خود این جواب

لاطایل داده اند که دولت روس اراده تصرف کردن مرو را ندارند و انکه
ایران هم قصد تصرف آنجا را ندارد و همطلب واضح است که از نتایج این ارتباط
جدیده دولتین فخیمتین معلوم میشود و ممکن است که پادشاه ایران هم بملاحظه
آن زمان جنگ افغانستان که باغوای دولت روس واقع شد و خسارت
بسیاری بر ایران وارد آمد از متصرف شدن مرو صرف نظر کرده باشند
اما دولت روس و استیلای ایشان بر اهالی مرو و خیالات بعیده که در مد
نظر دارند رای صائب ما که بتوان مغلوبی از آن حاصل کرد و درینباب است
که صاحب روزنامه پطربورغ ازین تقریریکه کرده است درحقیقه گمشت خاکی
بچشم کارکنان دولت انگلیس پاشیده است و مجلس وزارت خارجه دولت
روس هم بهمین یکمطلب حکومت انگلیس را از خیالات و مقاصدیکه دارد گمراه
کرده است حال ما خود تصور کرده و به بینیم که آیا فی الواقع روسیان قصد
استیلای بر اهالی مرو داشته اند یا نه وقتیکه بکنه مطلب نظر میکنیم می بینیم که ترکمه
مقیمه در مرو از ملاحظه بسیاری قوت و استعداد روسیان بخوبی مطیع و منقاد

روسیان شده اند که هیچوقت (جنرال) مقیمه در ممالک آسیای مرکزی
چنین امیدی نداشت و همطلبی که سابق براین (میجر پاتر) در روزنامه
خود عنوان کرده بود باید بخاطر گذرانید که تمام ایلات ترکمانهای متعلقه
بمرو در اطاعت (جنرال اسکوبلاف) درآمده و در نهایت آراستگی و خوبی
چادرهای خود را از حدود مرو برداشته و در کناره رودخانه مرغاب بترتیب
برپا نموده اند و حال چندیست که برای خود بعوض چادر و خیمه آبادیها و عمارات
بنا کرده اند هرگاه مشار الیهم قصد میکردند که با روسیان مخالفت کنند و آنها را
در مملکت خود راه ندهند در کمال سهولت و آسانی میتوانستند ولیکن آسوده گی
خود را در اطاعت روسیان دانسته سر تسلیم پیش نهادند چنانچه اکنون هم اهالی
مرو از روی رضا و رغبت در نزد حکام روس تسلیم محض شده اند و منتخبین
روسیان برای گردش و تحقیق هر موضعی از محوطه مرو را از اهالی آنجا مجازند
که در هر جائی از آنجد و را بخواهند امتحان کنند و همچنین تجار روس هم از هر قسم
اجناس و امتعه تجارتی را بمرو میبرند و دسته دسته از افواج روسیان هم

بدون صدمه و مشقتی از خیوه بمرو آمد شد میکنند و در هر جائیکه برای لشکریان
نقصی در لوازمات راه وارد شود از جهت آزوقه و غیره از هر سمت ترکمانها
ایشان را مدد میکنند در هر صورت اهالی مرو مطیع روسیانند و اینکه روس
مرو را متصرف خواهد شد از سخنان گذشته است در صورتی این مطلب گفته میشد
که اهالی مرو از اطاعت روسیان انکار داشته باشند و انکار صاحب روزنامه
بطرزبورغ هم کلامی است لغو چندی قبل روسیان برای انتظام مرو چنین
تجویز کرده بودند که ترکمانهای مرو اطاعت خان خیوه را نمایند و او را
حاکم خود بدانند لیکن باز انخیالات ایشان بهمین نحو مبهم ماند تا اکنون که اهالی
آنجا بالطبع در ظل دولت روس در آمدند . و لیکن از وقایعاتیکه اکنون در
ممالک مرکزی آسیا بظهور رسیده است مسئله مرو هیچ قابل مذاکره نیست
یعنی امروز برای ما صحبت آنجا از جمله ضروریات نیست اما آنچیزیکه تحقیق آن برما
لازم است و برای رسیدگی این مطلب نیز حکومت انگلیس را مجبور مینمائیم اینست
که آیا دولت روس درباره هرات و بلخ چه مقصد دارد بجهة اینکه از قرار تقریرات

(کلنل سر لیوس پلی) که در چند سال قبل در دربار سلطنتی لندن اظهار داشت
همچو استنباط میشود که شهر هرات یک دار الخلافه پر فایده است از برای ریاست
کردن در ممالک مرکزی آسیا اعم از اینکه حکمران روس آنجا را متصرف
باشد و یا اینکه سپرده امیر کوچکی باشد و مقصود او ازین بیان این بود که هر کس
هرات را متصرف شود دارای ریاست تمام ممالک مرکزی آسیا خواهد بود

کلکته در تاریخ دوازدهم ماه محرم الحرام مابین شیعهها و سپاهیان پولیس
یک نزاع سختی واقع شده است و تفصیل آن ازینقرار است که در روز
دوازدهم شیعیان کلکته بموجب رسمی که در تمام هند معمول است و
آنروز را روز زیارت مینامند علمها بیرون آورده و از محله خود بطرف
رودخانه هوگلی میرفتند که در آنجا رسوم خود را بجا آورند در بین بیک
واسطه با سپاهیان پولیس نزاع میکنند تا کار بزد و خورد میرسد و جمعی از
سپاهیان پولیس را مجروح کرده و ایشان را شکست میدهند سپاهیان
روی بفرار گذارده و مسلمانان بازایشان را تعاقب میکنند بطریقی که تمام

صاحبمنصبان و اجزای ادارهٔ نظمیه بعجز آمده و مستاصل گردیده و راه فرار
برای ایشان مسدود میشود آخرالامر اجزای حکومت مجبور گشته یکفوج از سواران
قزاق را بامداد اجزای نظمیه میفرستد و جمعی از مفسدین را دستگیر کرده اند هنوز
معاملهٔ ایشان در مجلس تحقیق دایر است .

تنکن درین روزها یک جنگ سختی مجدداً مابین چینیان و قزاقان
فرانسه بوقوع رسیده است و چینیان بقدریکه توانسته اند از سپاه فرانسه را
بقتل رسانیده و بعضی را هم برهنه کرده اند .

ایطالیا پادشاه آنجا خواسته است که جان خود را بقیمت دوازده
لک روپیه بیمه کند که بعد از وفات او بازماندگانش
از آن مبلغ منتفع شوند لیکن کمپانیان این کار از بیمه کردن جان پادشاه
ایطالیا احتراز مینمایند و میگویند که زندگانی پادشاهان بسیار خطرناک است
باینواسطه اقدام درین کار نمیکنند دهلی درین روزها بعضی نوشتجات
خوفناک بدست نایب الحکومهٔ آنجا و نایب اول ادارهٔ نظمیه رسیده است

که نتیجهٔ مضامین آن نوشتجات اینست که انگلیسیان مملکت ما را تخلیه کنند
والا عنقریب ایشان را بقتل خواهیم آورد تعداد عیسویان هندوستان
نامه نگار مینویسد که ده سال قبل هنگام مردم شماری در محوطه های متعلقه
بحکومت انگلیس در جزو تعداد نفوس هشتصد و نود و هفت هزار و دویست
و شانزده نفر عیسوی مذهب تعداد شده بود و درین سنه که حکومت
انگلیس اهالی ممالک متعلقه بخود را بتعداد در آورد بیست و دو لک و
پنجاه هزار نفر از عیسویان قلمداد شده است که عبارت از چهار کرور و پنجاه [دویست هزار]
نفر میشود) پس معلوم شد که در عرصهٔ قلیل اینهمه جمعیت از هندو و مسلمان
باغوای پادریان بمذهب عیسوی داخل شده اند .

چین معلوم شد که همچنانکه در مملکت هندوستان بعد از غروب
آفتاب یک حمرهٔ فوق العاده در افق ظاهر میشد در مملکت چین زیاده از
حد نمودار گردیده چنانچه صاحب روزنامهٔ موسوم به (فوچو) منطبعهٔ چین
نقل مینماید که در تاریخ یازدهم ماه نوامبر تا سه روز متوالی بجوی سرخی

در افق ظاهر شد که چینیان طرف شرقی شهر (پکن) یکمرتبه هجوم آورده و از خانه
های خود بیرون آمدند و چنین گمان داشتند که عمارات طرف غربی شهر آتش
گرفته است **جاسوس روس** نگارنده مینویسد که صاحب روزنامه
(اندین مرر) که انگلیسی است تمام ادارات نظمیه شهر کلکته را قدغن مینماید که
در کمال مواظبت و هوشیاری در بازار (اگزپوزیسیون) کلکته گردش نمایند
و هر کس را بطور درستی بشناسند زیرا که بدون شک و شبهه جاسوسی از روسیان
بتبدیل لباس بتماشای بازار مزبور خواهد آمد تا از تمام واقعه و صورت حال
مطلع گشته و یادداشت نماید **ایران و افغانستان** در این روزها بعضی از
صاحبان روزنامجات انگلیسی چنین مینویسند که این وکیلی که از جانب دولت
علیه ایران بکابل آمده بود و در چند یوم قبل با بعضی هدایا و تحف از کابل مراجعت
بایران میکرد مجدداً حکم مؤکد از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ایران باو رسیده است
که البته در همان قرب و جوار کابل بماند و هدایائیکه بهمراه دارد نزد ما بفرستد
تا حکم ثانوی شرف صدور یابد رای نامه نگاران بر اینست که این نیت مگر از نتایج

اتفاق (مستر گلیدستون) و قیصر روس **قاهره** از اخبارات تلگرافی
سیم ماه دسامبر چنین ظاهر شد که وکیل قونسولخانه مقیمه در خارطوم چنین اطلاع
داده است که این لشکر و سپاهی که بسرداری (جنرال هکس) برای حمله کردن بر
لشکر مهدی رفته بودند تماماً بقتل نرسیده است بلکه قریب یک ثلث از
آنها کشته شده و مابقی ایشان اکنون در (راهد) اردو زده اند و از آنجا مدد خواسته اند
لیکن هنوز بحکومت مصر خبر نرسیده است . گویا این مطلب را انگلیسیان
برای این منتشر ساخته اند که مبادا اهالی هندوستان مانند بلوای سنه ۱۸۵۷ عیسوی
شورش نمایند مترجم . **هرات** اهالی آنجا بسیار پریشان و مضطرب اند
زیرا که شنیده اند که سردار ایوبخان از طهران بیرون آمده و عنقریب بر هرات
حمله مینماید **راجکوت** چند روز قبل بعضی از تجار انگلیس با مال التجاره بسیاری
از راجکوت به بندر بمبئی میآمدند همینکه بحوالی متعلقه بریاست دهران رسیدند
جمعی از قطاع الطریق متکمل و مسلح بر تجار موصوف تاخت آورده پس از زد و خورد بسیار
قریب دو هزار تومان از اموال ایشان را تاراج مینمایند وکیل الدوله انگلیس مقیمه در راجکوت

از استماع این خبر بر راجه ریاست دهران بسیار برآشفته و محض سوء انتظام راجه
موصوف و بواسطه اینکه سواران قراسوران را برای حفاظت راهها مقرر نداشته است
با ملاحظه از جانب دولت مشارالیه را یکهزار روپیه جریمه کرده است .

روس و هندوستان (جنرال سلوبوبیف) نامی که از جمله
سرداران فوج روسی است چنین نوشته است که این اوقات
دولت انگلیس در مملکت هندوستان چندان لشکر و سپاهی ندارد و تا
در مقابل دولتی لشکرکشی نماید بلکه سپاه ساخلو در هندوستان بقدری
نیست که بتوانند با افاغنه تنهائی جنگ نمایند اکنون تمام رعایای
لشکری و کشوری دولت متبوعهٔ خود را در این باب آگاه مینمائیم که در اندک
زمانی یعنی در بین ده الی دوازده سال دیگر مابین ما روسیان مقیمه
در آسیای مرکزی و اهالی (انگلند) یک نزاع سختی خواهد شد چنانکه اکنون
هم انگلیسان مقیمه در آسیای جنوبی خیلی مضطرب باشند و از اهالی آنجا
بسیار خائف هستند و از ترس اینکه مبادا اهالی هندوستان بنای

شورش و یاغیگری را بگذارند بسیار بملایمت با ایشان رفتار مینمایند
مقصود آنکه ریشهٔ قوت و شوکت ایشان در مملکت هندوستان سست
گردیده است و این مطلب را مطلع شده‌اند که جمعیت روسیان در ممالک
آسیای مرکزی بسیار شده و مقصود آنها از این ازدحام و جمعیت تسخیر
کردن مملکت هندوستان است و شب و روز با یکدگر ذکر بلوای
سنهٔ ۱۸۵۷ عیسوی را مینمایند و اندیشهٔ آنرا دارند که مبادا الفتنة مانند جنبش و
هیجان قبل روزی را مشاهده نمایند در هر حال اقامت روسیان
در کنار رودخانهٔ (جیحون) آرام و قرار حکومت انگلیس را مقطوع ساخته یعنی
که سرداران و صاحبمنصبان مملکت هندوستان بنحوی مضطرب و
متوحش‌اند که آسودگی و راحت ایشان همان وقتی است که شراب
بنوشند و مدهوش گردند یعنی اندازهٔ واهمهٔ آنها باین درجه رسیده است
که متفکرند که آیا آسیای قسمتی ایشان چه حالت خواهد بود ما بخوبی درک
این معنی را کرده‌ایم که اگر یک واهمه روی دهد بسیار مخوف خواهد بود

ولیکن ما ما چندان خوف و واهمه نخواهیم داشت زیرا که اگر مغلوب
انگلیسان واقع شویم جزئی نقصانی بر ممالک آسیای مرکزی ما وارد خواهد
آمد و امّا بر خلاف برای انگلیسان بسیار خطرناک خواهد بود بجهة آنکه هرگاه
شکستی بر ایشان وارد بیاید و بر آنها غالب شویم مملکت پر فایده و دولت
عظمائی از چنگ ایشان بیرون خواهد رفت **مجملی در احوال مصر**
نگارنده روزنامه چنین رای میدهد که این فتح مهدی سودانی و کشته شدن
سپاه مصر برای منتظمان مصر مشکلات عظیمی پیش آمده است الحق سزاوار
است که بگوئیم نظم دهندگان مصر بدست خود آنمملکت را ویران و خراب
نمودند چنانکه چندی قبل زخمهای کاری چند بآنمملکت رسیده بود و هنوز
التیام نیافته که جراحات پیاپی دیگر بر او وارد آوردند یعنی که اسمعیل پاشای
خدیو سابق از بسیاری مخارج بیقاعده و مصارف بی اندازه خزانهٔ مصر را
خالی نمود و علاوه بر آن خزانهٔ خود را کرورها روپیه مقروض گردانید چنانکه
جمعی از تجار و سوداگران انگلستان و فرانسه طلبکار خزانهٔ آنجا شدند لهذا

سلاطین یوروپ ناچار گشته در مملکت مصر بنای مداخله گذاردند اولاً
اسمعیل پاشای خدیو را از حکومت مصر معزول داشته و فرزند او احمد توفیق
پاشا را بر مسند ایالت نشانیدند پاشای موصوف ترتیبات خزانهٔ آنجا را
سپرده انگلیسها نمود تا بر مخارج فوق العادهٔ آنجا تخفیف داده شود و هنوز
آنمملکت انتظام کامل نیافته بود که مار در آستین یعنی عربی پاشا سپهسالار
افواج مصر خروج کرده و بنای یاغیگری گذارد و شهر اسکندریه با آن نیکوئی را
آتش زده و غارت نمود و فتنه های عظیمی بر پا کرد بالاخره دولت انگلیس
بمشقتهای بسیار مشار الیه را دستگیر نموده و جلاء وطن داد و بیخ و بنیاد یاغیان را
برکندند ولیکن از آنطرف کار انتظام خزانهٔ مصر باینجا کشید که یکمرتبه سی و دو هزار
سپاه انگلیس در شهر مصر اقامت نمود و مخارج و مصارف آنها را تحمیل خزانهٔ مصر نمودند
فی الحقیقه انتظامی بهتر ازین برای خزانهٔ مصر نشود و گویا حالت خزانهٔ آنجا مصداق
آن مثل هندی است که رفت نماز را ترک کند روزه هم وبالش شد مقصود
خدیو از اینکه انتظام مصر را سپرده انگلیسیان نمود این بود که قروض خزانهٔ مصر ادا شود

و بر نقود خزانه آنجا بیفزاید ولی نتیجه برعکس شد از یکطرف افواج بسیار را
در آن مملکت آورده و بر مخارج آنجا افزودند نه قروض خزانه مصر داده شد
و نه مفسده آنجه خود باتمام رسید بلکه روز بروز روی بخرابی و ویرانی
گذاشته است   تتمه در نمره آینده

در احوال مائه ماضیه شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۱ هجری شروع گردید
و مائه سنه ۱۳۰۰ که درباره او انواع و اقسام سخنها میرود باتمام رسید و
اکنون که داخل در مائه سنه ۱۴۰۰ گردیده ایم باید دید که این مائه چه رنگها خواهد
ریخت مائه سیزده هجری که مسلمانان را با خاک یکسان نمود و سلطنت مسلمانان
هند در همین مائه منقرض و نیست و نابود گردیده و تاریخ روزگار شد چنانکه
عزت و فضیلت اسلام از میانه رفت نه مسلمانی باقی ماند و نه از علوم و
سخنان آنها نشانه در همین مائه انگلیسها در مملکت هند نزول اجلال فرمودند
و نیز در همان مائه دشمنان دین اسلام قوی شدند و انواع منازعه
و مشاجره را برپا کردند و مسلمانان چندی عمر خود را در منازعه با معاندین

مصروف داشتند و مدتی برای تهی دستی از دولت و مملکت تأسف
میخوردند الغرض تنزلات آنها روز افزون شد تا بوضعی که باینحالت
رسیده اند اگرچه ذکر آنها در واقع قابل بیان نیست ولیکن از آنجائیکه
این مائه منحوسه عموم اسلام را لگدکوب نمود و آنها را بامراضی مبتلا کرد که هیچ
زور و زری علاج آن نخواهد شد خاصه بمسلمانان هندوستان که هیچ حقوقی
با ایشان نگذارد بلکه در هر جا که یکنفر مسلمی را بنظر آورد کاردی بگلوی او کشید
لهذا یک مجملی از مفصل آن واقعات را در اینجا مینگاریم تا بطور یادگار باقی بماند
این مائه بجوی دولت ایران را ضعیف کرد که با وجود آن قلب را میکند از
در همین مائه جنگ (سواستاپول) بوقوع رسید که تاکنون حکایت آن
در کنار رودخانه (دانوب) باقی است در ممالک افریقا عجب واقعاتی
بظهور رسید و غریب مفسده‌ها برپا شد سلطنت (تونس) را منقلب ساخت
و اهالی آنرا بخاک و خون مالید تا آخر الامر مملکت آنها را بدولت فرانسه تسلیم کرد
در سال آخر عمر خود برای غارتگری مملکت مصر عربی پاشا را برانگیخت و او هم

باعث خرابی و پریشانی مسلمانان گردید الغرض مناسب هست که شمهٔ
از سرگذشت این پیرزالیکه یکصد سال زندگانی کرد و امروز از دنیا رفت
ذکر نمائیم که آیا با مسلمانان هند چه نوع بیوفائی و کجرفتاریها نموده و
با دیگران چه نوازشها کرده است ما را چه نوع پامال کرد و بخاک و
خون مالید و سایرین را چگونه بر بالای سر نهاد و پهلوی خود نشانید زندهٔ
ما را بچه طریق کشت و اموات خاکشدهٔ دیگران را چه نحو از زیر خاک برآورد و زندگانی
داد و با وجود اینهمه غدّاری تسلّی نیافت و با دل پر حسرت و اندوه از جهان
گذشت عجبتر هست که قبل از متولّد شدن این شعلهٔ نحوسات خود را پیش از وقت
برای مسلمانان فرستاده ایشان را از آن جوش و خروش باقی نگذارد و شوکت
و جلال آنها روی بتنزّل نهاد چنانکه از بعضی واردات و واقعات در قلوب
ایشان الهام شد که یک روزگار منحوس و بدیُمنی عنقریب خواهد آمد که نام
و نشان و عظمت و جلال زمرهٔ اسلام را از صفحهٔ روزگار براندازد و صورت حال
ایشان را افسانهٔ دهر نماید الغرض در سنه ۱۷۱۵ عیسوی مطابق سنه ۱۱۲۷ هجری شاه فرخ سیر

که از جمله سلاطین هندوستان بود مریض شد یکنفر از اطبای انگلیس موسوم
به (دکتر گیرابیل هملتن) که از ساکنین (اسکاتلند) بود مشارالیه را معالجه کرد شاه
معزی الیه پس از حصول صحت و عافیت بموجب استدعای طبیب مزبور یک
ملفوفه فرمانی برای انگلیسها نوشت تا یک تیمچه تجارتی برای خود در کلکته باز
نمایند مسلمانان از ملاحظه این احوال از شاه موصوف متنفر گشته و در عرصهٔ
قلیلی تخم نفاق در میانهٔ ایشان افشانده شد آخرالامر در سنه ۱۷۱۹ عیسوی مطابق
سنه ۱۱۳۱ هجری جمعی از سادات هند اجتماع کرده و شاه فرخ سیر را بقتل رسانیدند
پس از رحلت شاه موصوف کار بجائی رسید که در مدّت هشت ماه دو پادشاه
بر تخت سلطنت هندوستان نشست در همان ایام طایفهٔ (مرته) چون
برای سلطنت اسلام ثبات و قوامی نیافته سر برداشته و بنای یاغیگری را
گذارده و در ابتدا روی بجانب مملکت (دکن) نهادند و بمقابلهٔ آصف جاه
در آمده با وی خصومت ورزیدند بالاخره در سنه ۱۷۲۳ عیسوی مطابق سنه ۱۱۳۶ هجری
مساعدت کرده و حکمران دکن را محرک شد تا بر مملکت هندوستان حمله نماید

مشار الیه نیز اول مرتبه بر مملکت (مالوه) حمله نمود و حکمران آنجا را بزیر تیغ انداخت
تا در سنه ۱۷۳۷ عیسوی خود را بکنار رود خانه جمنا رسانید و با نواب سعادتخان که
یکی از حکمرانان مملکت دهلی بود بنای خصومت را گذارد و با مشار الیه جنگید و از
طرف دیگر با (پیشوا باجی راو) که از جمله پیشوایان و سلاطین هنود بود مقابل شد
که با توسط یک صدمه عظیمی بر مملکت دهلی وارد آمد و عاقبت الامر با اینهمه مشقتها
سلطنت این ممالک مفتوحه قسمت آصف جاه موصوف نشد و درین گیر و دار مملکت
(مالوه) که از جمله ممالک پر فایده هندوستان است در تصرف طایفه (مرهته) بر آمد
در سنه ۱۷۳۹ عیسوی مطابق سنه ۱۱۵۲ هجری نادرشاه را بهندوستان آورد و مشار الیه
نیز آن مملکت را بخوبی تاراج نمود و زیاده از یکصد هزار نفر جمعیت را قتل و غارت
نمود و از سمت دیگر الله ویردیخان تاتاری بر مملکت بنگاله و بهار و اودیسه
حمله آورده و ممالک مذکوره را در قبضه خود بر آورد و از یکطرف علیمحمد نامی
از متمولین طایفه (پتان) که برزخ مابین بلوچ و افغان اند و آنها را روهیلی
گویند ملک (روهیلکند) را برای خود حکومت مستقله قرار داد و از همان روز آنخطه

به روهیلکند شهرت یافت و جمعیت آن طایفه در مملکت هندوستان
بسیار شد   تتمه در نمره آتیه .

اخبارات تلگرافی خارجه بتاریخ بیست و سوم نوامبر بتوسط تلگراف
از (رنگون) خبر رسید که وقایع نگار مقیمه در (هیپ هانگ) در تحریرات
هفدهم ماه نوامبر خود مینویسد که این خبر افواها شهرت یافته است که عنقریب
چند فوج از طایفه سیاه نشان بر هیپ هانگ حمله خواهند نمود و احتمال صدق
هم در این خبر میرود زیرا که مشار الیهم از محل (بکمینن) حرکت کرده اکنون در بین
راه میباشند اگرچه حکومت شهر هیپ هانگ هنوز این مطلب را تصدیق نمی نماید
لیکن در کمال احتیاط مواظبت دارند که مبادا دفعة شبانه حمله آورند چنانکه
قراولان را دو مساوی سابق گماشته اند و یک جهاز جنگی علاوه بر جهازات
سابق از (هنوی) برای محافظت انجا فرستاده شده است و یک جهاز جنگی
دیگر هم که از طرف (سیگون) آمده بود حکم توقف در همین جا داده اند
و محتمل است که یکدسته دیگر برای امداد برسد و اگر در واقع افواج چینی شبانه

روی باینجانب بیاورد راه نجات و فرار برای عموم اهالی مسدود خواهد
بود ولیکن چون امید آنرا دارند که افواج فرانسه بزودی برای معاونت
ایشان برسد لهذا اندک اطمینان حاصل است .

لندن بیست و پنجم نوامبر بامضمون خبر رسید که افواج بسیاری از
چینیان در (کنتون) اجتماع کرده اند و یک عهدنامهٔ خفیه مابین چینیان
و طایفهٔ سیاه نشان منعقد گردیده است و ظن قوی میرود که دیگر این
جنگ مابین دولتین چین و فرانسه بهیچوجه اصلاح پذیر نباشد .

هانگکانگ بیست و پنجم نوامبر خبر رسید که خاقان چین تمام بنادر متعلقه
بخود را در کمال استحکام منتظم داشته است و فرمان مخفی برای اعلان
جنگ با فرانسه صادر نموده است .

رنگون بیست و هشتم نوامبر خبر رسید که صاحب روزنامهٔ (رنگون گازت)
چنین بیان مینماید که شاه برمان که برای تادیب و تنبیه یاغیان طایفه
(شان) تهیه و تدارک محکمی دیده بود و حکمران آنطایفه موسوم به (موی انیا

بوا) از استماع این استعداد خائف گشته چند نفر از علما و پیشوایان خود را
بطور معذرت و تبعیت نزد شاه برما فرستاده است که ما را از گناه ماضیه
عفو فرمایند و از حال بعد مطیع و فرمانبردار و خراجگذار خواهیم بود شاه برما
نیز از ورود این اشخاص بسیار خوشوقت گردیده بطور خوشی آنها را نوازش و
پذیرائی کرده و چند نفر از ایلچیان را بهمراه ایشان روانه داشت که هرگاه (انیا
بوا) در واقع قصد متابعت را دارد این استعداد جنگی در عهدهٔ تعویق بماند

کابل نگارندهٔ این اخبار مینویسد که در باب آمدن میر محمد معصوم خان سفیر
دولت علیهٔ ایران در مملکت افغانستان بعضی از عوام الناس چنین گمان
کرده اند که پادشاه ایران این شخص را مخصوص برای عمل سردار ایوبخان بکابل
فرستاده اند تا اینکه سردار موصوف را با امیر عبدالرحمن خان صلح داده و
شهر هرات را واگذار بامیر ایوبخان نماید اما اعتقاد خواص ناس غیر از
این است و مطلب اول را تکذیب مینمایند بملاحظهٔ شروط و عهودیکه مابین
دولتین فخیمتین ایران و انگلیس در خصوص معاملات و اخلهٔ افغانستان منعقد

شده است لهذا خیال عوام الناس را بمعنی تصور مینمایند ولیکن آنچه ظن
قوی دراینباب رفته اینست که ایران و روس بایکدیگر متفق شده اند که هرات را
ایران متصرف شود و علاوه براینکه یک وجه معتدبه بامیر عبدالرحمن خان
داده میشود و پس از استیلای دولت روس بر مملکت هندوستان کشمیر و
شهر پیشاور را درعوض بامیر کابل واگذار نمایند صاحب روزنامه (پاینیر)
در این اقوال خوض متعمق است و در اخبار خود باین نحو مینویسد که و لو آنکه
این مطلب خیلی بعید و دشوار بنظر میآید ولیکن ساخت و سازش و تزویرهای
روسیانرا که ملاحظه مینمائیم بر اقوال و رای خوض متقاعد میشویم که اگر روسیها
قصد هندوستانرا داشته باشند بعید نیست که باین نحو ها دام تزویر خود را در کابل
افکنده باشند **کابل** امیر عبدالرحمن خان غدغن شدید نموده است
که بهیچ جه از قبیل میوه و سایر نواکه بطرف پیشاور نرود و هرگاه کسی
این حکم را مخالفت کند اموال او ضبط دیوان و محبوس خواهد شد چنانچه در این روزها
شخص مسافری چند دانه میوه برای سوغات بهمراه داشته در بین راه ملازمین

امیر کابل اموال مشارالیه را ضبط کرده و خود او را هم محبوس داشته اند نامه نگار
حکومت انگلیس را دراینباب توبیخ مینماید که هرگاه این مطلب واقعیت داشته
باشد برای دولت انگلیس وهنی بالاتر از این نخواهد بود که امیر عبدالرحمن خان
باین بهانه رعایای انگلیس را نهب و غارت نماید البته حکومت را لازم است
که بزودی گوشمالی بامیر موصوف بدهد والا نتیجه خوب نخواهد بود .
شخصی موسوم به (ملا ابوبکر) که از دوستان قدیم و معلم امیر عبدالرحمن خان
بوده است امیر موصوف مشارالیه را برای خریدن ملبوس افواج بشهر پیشاور
فرستاده و دو سال بود که ملای مذکور برای همین خدمت مقیم در پیشاور بود
در این روزها امیر عبدالرحمن خان مشارالیه را بکابل احضار داشته و بتحریک وزرا
حساب دو ساله را از او مطالبه میکنند هشتاد و پنجهزار روپیه باقی دار میشود امیر
کابل حکم میدهد که این مبلغ را از املاک و مخلفات او دریافت نمایند لهذا تمام
املاک و ضیاع مشارالیه را هراج کرده بهمه جهت پنجاه هزار روپیه میشود و برای
مطالبه بقیه ملای بیچاره را حبس کرده اند نامه نگار مینویسد که این ملا بسیار شخص

کم بخشی بنظر میآید نتیجه آنکه در عهد امارت امیر شیرعلیخان همین ملا ابوبکر را
محض اینکه با امیر عبدالرحمن خان رفاقت کرده و مصاحب او شده حکم نمود
که تمام ما یملک او را ضبط دیوان کنند امروز که نوبت تلافی و احسانات
امیر موصوف بود وزرای کابل باین بهانه مشار الیه را مقصر کرده محبوس نمودند

ترجمه از روزنامه کشف الاخبار مطبعه بمبئی

نامه نگار مینویسد که این خبر فرحت اثر باعث سرور قلب و خورسندی دل احباب
و دوا عیان دولت ابد صولت ایران گردید که درین اوقات سعادت
آیات اعلیحضرت قدر قدرت خسرو صاحبقران شاهنشاه دولت علیه ایران
خلد الله ملکه و سلطانه نظر برفاه و رسیدگی بحال رعایای ملک ایران که در بلاد
هندوستان سکنی دارند و هم برای استحکام تعلقات دوستانه با دولت
انگلیس جناب جلالتمآب مقرب الخاقان آقا میرزا یوسفخان مستشار الدوله را که از
اعاظم رجال کافی مشرق زمین است و چند سال هم از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی مأمور و مقیم دربار شوکتمدار ناپلیون سوم امپراطور سابق فرانسه

بمنصب جلیله و خدمت رفیعه قونسول جنرال یعنی وزیر مختار مفتخر بوده مأمور
بطرف هندوستان فرموده اند و اختیار جمیع مأمورین دولت علیه در هند و برما
و غیره بنجان مفوض الیه عطا و مرحمت شده است و خبر است که خان معظم له پس
از زیارت و تقبیل عتبات عرش درجات از راه بصره و خلیج فارس بتوسط یکی از
جهازات آتشی متعلق بجماعت تجار ایران که از توجهات عالیجاه مجدت همراه
آقا عبدالحسین صاحب امین التجار در بحر هند و خلیج فارس اجرا یافته است رونق
افروز معموره بمبئی و ملک بنگاله خواهند شد و محل اقامت سرکار خان والاشان
غالبا در کلکته که دار السلطنه هند است خواهد بود و اکنون کافه رعایا مشغول
دعاگوئی وجود مبارک اقدس همایون اعلی روحنا فداه میباشند که پس از مدتی
چند شخص باکفایتی را برای اصلاح امور مهمه ما فرستاده اند زیرا که چندی بود
که از طعن دشمنان زخمهای کاری بر دلهای ما میرسید و خونابه میخوردیم خاصه
درین دو سال اخیر **کلکته** بازار اگزپوزیسیون کلکته که جمع کثیری از مردمان
برای افتتاح آن در انتظار بودند در تاریخ چهارم ماه دسامبر بدست جناب

معلی القاب گورنر جنرال بهادر فرمانفرمای کشور هند زینت افتتاح یافت
و آن تالار مصنوعی که از چوب و تخته با کمال زینت ساخته اند زیاده از یکصد هزار
اشیاء نادره و عجیبه در آنجا موجود است طول و عرض این تالار یکصد یارد است
که تقریباً هر طرفی هشتاد و هشت ذرع نیم میشود .

جنگ سپاه مصر با لشکر مهدی سودانی

از اخبارات تلگرافی که از لندن برای ما رسیده است ظاهر میشود که سپاه
مصر که مشتمل بر پانصد نفر سودانی و دویست نفر باشی بزوق و بیست نفر
سوار و یک ارابه توپ بود بتاریخ دوم ماه دسامبر بفاصله بیست میل تا
شهر سواکم بر سپاه مهدی سودانی که تعداد آنها سه هزار نفر بود و سردار آنها
عثمان نامی بوده است حمله نموده اند اتفاقاً جمعیت باشی بزوق در بین
جنگ سپاه سودانی را تنها گذاشته و از میدان جنگ روی بفرار نهادند
اما زهی همت و شجاعت اهالی سودان که اصلا وحشت و اضطراب نکرده
با کمال استقلال با لشکر مخالف که سه هزار تن بود جنگیده و از میانه آن پانصد نفر

بهمه جهة چهل و پنج نفر مجروح فرار کرده اند و ما بقی تماماً در میدان کارزار
کشته شدند لیکن از سپاه متعلقه بعثمان هم بسیار کشته شد و نقصان عظیمی
بر آنها وارد آمد و خود عثمان هم در این محاربه بقتل رسیده است اکنون تمام
اضلاعات جنوبی سواکم تا سرحد بربر در تصرف مهدی میباشد و هر روز گمان
میبرند که مشار الیه از راه (دونقوله) بر شهر خارطوم حمله خواهد نمود .

اخبارات تلگرافی . **قاهره** بتاریخ هشتم ماه دسامبر از قراریکه از
خارطوم خبر رسیده است سپاه مصری که در (سنار) مقیم بود خود را حامی و
مددکار مهدی سودانی ظاهر نموده است . **اسلامبول**
بتاریخ هفتم ماه دسامبر خبر رسید که از جانب باب العالی بنام بسیاری از جهازات
حربیه متعلقه بدولت عثمانی حکم صادر شده است که در دریای احمر مجتمع و
مستعد گردیده آماده و حاضر باشند . **قاهره**
بتاریخ نهم دسامبر بتوسط تلگراف خبر رسید که در اشتهار نامه مشهوره سفارتخانه
مرقوم است که بتاریخ پنجم ماه دسامبر اهالی کوهستان تمام سپاه مصر را که در نوح

سواکم بود بقتل رسانیده اند و از ورود این خبر در شهر قاهره خیلی خوف و هراس در
دلهای مردم واقع گردیده است و انحال بسیار مشکل بلکه غیر ممکن است که با این
(سواکم) و (بربر) مخابرهٔ محکمی داشته باشند . **رومانیا** از اخبارات
تلگرافی نهم دسامبر منکشف شد که جهازات حربیه دولت (ایطالیا) جهة حفاظت
اهالی (اروپا) مأمور بر عزم (هانگکانگ) شده اند . **لندن**
در تاریخ نهم دسامبر خبر رسید که دولت انگلیس در بارهٔ فراهم آوردن جهازات
حربیهٔ دولت عثمانی در بحر احمر هیچ اعتراض ندارد و بشرطیکه جهازات مذکوره
با جهازات جنگی انگلیسی رفیق و متفق باشند . **برلین**
در تاریخ نهم دسامبر بوضوح رسید که ولیعهد دولت آلمان حسب الامر شاهنشاه
دولت آلمان نخستین با پاپ و شاه ایطالیا ملاقات نموده و تعلقات دوستانه را
مابین هر دو دولتین محکم داشته پس از آن بملاقات (پاپ) خواهد رفت
لندن بتاریخ دوازدهم ماه دسامبر از اخبارات تلگرافی چنین ظاهر شد
که یک جهاز جنگی دولت انگلیس موسوم به (زنجیر) برای منتشر نمودن جمعیت

مردمان کوهی که سکنهٔ شهر سواکم را از حمله خود متحیر ساختند مأمور شده است
تا باندختن خمپاره جمعیت اشرار را از حمله نمودن بر شهر مزبور باز دارد .
قاهره بتاریخ دوازدهم ماه دسامبر خبر رسید که چند دسته توپچی
از (یوم) و (شط) وارد (خارطوم) گردیده است .
مهدی ده هزار نفر جمعیت بطرف (وادی فور) میفرستد . هشتهزار نفر پیاده
پولیس و قوم بدو و حبشیان که برای مقابله با مهدی فرستاده شده است
عنان حکمرانی سپاه مذکوره در ید بیکر پاشا خواهد بود .
لندن در تاریخ چهاردهم دسامبر خبر رسید که از آنام خبر رسیده است
که جماعتی که مخالف با دولت فرانسه بودند پادشاه آنام را زهر داده و عزم
جنگ با دولت فرانسه دارند . خبریکه از هانگکانگ رسیده است
ظاهر میدارد که استحکام قلعه کنتون بخوبی شده است .

فتح مهدی کذاب و شکست افواج مصری

نامه نگار مینویسد که اخبارات تلگرافی متواتره بنظر ملاحظه کنندگان رسیده است

که مهدی سودانی چگونه افواج ابوجمعی جنرال هکس شکست فاحش داد و
نمیدانیم چه میشود و حکومت مصر و سایر مشیران دول خارجه را که آسوده نشسته اند
و کجا رفته است تدابیر آنها که یک غلام سیاهی از بسیاری سعی و کوشش خود
فتوحات عدیده و غلبه بر مصریان نموده ما متحیر داریم از تدابیر و حکمتهای جنرال
هکس و سایر اهالی اروپ که این چه سعی و کوشش بیمعنی بود که بجای آوردند
و آیا چه نتیجه برای آنها حاصل شد سوای آنکه خون چندین هزار سپاه مصری
بروی زمین ریخت و چه قدر آلات حرب و قورخانه بدست لشگر مخالف افتاد
اشتباه بزرگی بود که خدیو مصر و مصلحت گذاران انگلیس او خاتمه این جنگ را سست
گرفتند مهدی و جنود وحش را تعاقب ننمودند تا نتیجه این مهم رفته رفته حکومت
مصر را ضعیف و ویران نماید شک نیست که فتوحات متعدده مهدی در آنحدود
گویا مالک تمام نعمت مملکت سودان گردیده است بجهة آنکه فتحهای مشار الیه
در آنمملکت شهرت یافت لهذا جوقه جوقه از اطراف و اکناف صحراها و کوهها در زیر
لوای او جمع شده و خواهند شد و باعث این میشود که روز بروز بر ترقیات و قوه

او بیفزاید و احتمال قوی میرود که کم کم تقدم جسته سایر متصرفات حکومت
مصر را در قبضه خود در آورد و بهتر هست که عجالة اهالی آنمواضعی را که خوف و رعب
مهدی در دلهای آنها تاثیر کرده اندک گوشمال بدهند تا اقل سایر طوایف عرب
در تحت اطاعت و هواخواه حکومت مصر باقی بمانند و مبادا آنها نیز کم کم تبعیت
مهدی را قبول نمایند هر گاه این مطلب را سهل بشمارند و سکوت اختیار کنند امروز
مهدی که سپهسالار و سردار مذهبی سیصد هزار نفر هست چند روز نمیگذرد که پیشوای
دو کرور جمعیت خواهد شد و این یک سیلاب عظیمی میشود و آنوقت حکومت مصر
در مقابل این دریای لشکر چه حقیقت و قدرت خواهد داشت و خوف هست
که برای دولت انگلیس هم مشکلات سختی در پیش آید دولت انگلیس در این جنگ
گذشته متعهد نشده بود که همین شهر مصر و خدیو آنجا را محافظت و سرپرستی نماید
بلکه خود را مربی و محافظ تمام ممالک محروسه مصر قرار داد و در اینصورت بر انگلیسها
لازم و واجب است که مملکت مصر و متعلقات او را از شر مهدی و غیره و حملات آنها
محفوظ دارد پس از اینهمه خونریزی و شکستهای سپاه مصر برای خدیو کجا اینقدر استعداد

و قشون هست که بجانب مهدی بفرستند و او را مضمحل نماید و عقیده پارلمنت
که اگر ترقیات مهدی زیاده ازین شد و دولت انگلیس هم خاموش نشست
بسیاری از حدود متعلقه بمصر را متصرف شده و پیش خواهد آمد باز انهم غنیمت است
که (سر ایولین برنگ) بملاحظه حالات موجوده مصر رای او قرار نگرفت که شهرها را
از افواج انگلیسی تخلیه نماید و همین فقره را اهالی مصر برای خود فال نیک تصور
خواهند کرد و باز هم جای تعجب است که هنگامیکه شکست سپاه مصری بسمع انگلیسیان
رسید در صدد استیصال مهدی بر نیامدند و این مطلب واضح است هر گاه بعد ازین هم
نخواهند که لشکر مصری را پیش جنگ قرار دهند پس انگلیسان باید بر افواج خود بیفزایند
تا پشت گرمی برای اهالی مصر بشود و مملکت هم محفوظ بماند .

فرانسه و چین نگارنده این اخبار نامه مینویسد که مدت وقتی است
اشتهار جنگ دولتین چین و فرانسه انتشار یافته که جنگ عظیمی برپا خواهد شد
و بالمره صحبت صلح نامه های مشار الیهم لا طایل و بر طاق نسیان مانده و آخر الامر
دولتین مشار الیهما آماده مقاتله و مجادله گردیدند چنانکه حکمران چین درین روزها

نوشتجات متحد المآل نزد تمام دول اروپا فرستاده است که اگر مابین ما و دولت
فرانسه جنگی واقع شود تقصیر از جانب خود فرانسه است — پس درین صورت سایر
دول معظمه را لازم است که حتی الامکان این شعله را خاموش نمایند خاصه درچنین
موردی که دولت چین نزد تمام دول اروپ اعلان برائت خود نموده البته دول
معظمه استحقاق این را دارند که دولت فرانسه را تحکما ازین جنگ باز دارند
و هیچ شایسته نیست که درچنین وقتی سکوت اختیار نمایند — .

اعتقاد ما اینست که درصورت وقوع جنگ مابین دولتین مزبورتین بعضی مطالب
دقیقه برای دولت فرانسه در پیش خواهد آمد و همچنین برای دولت چین هم
مشکلات چند خواهد بود — الغرض بالفعل که دو فیل قوی با یکدیگر مهاجمه
خواهند نمود و این منازعه خالی از خطر نیست باقی فتح و شکست امری است با خدا .
امروز هیچیک ازین دولتین نمیتوانند مدعی شد که غالب کدام و مغلوب که
خواهد بود و اگر چه افواج چین بالنسبه بسابق خیلی تربیت شده اند و در علم
قانون و ازکون جنگ تکمیل گردیده و همچنین از حیثیت استعداد جنگی و آلات

حرب در نهایت آهستگی مشغول هستند ــ ولیکن دولت فرانسه هم همان
فرانسه است که در جنگ آلمان تا بچه اندازه ضعیف و مضمحل گردید و باز زمانی
نگذشت که مجدداً پر و بال خود را محکم نموده یکمرتبه برای جنگ با دولت چین باز
و طیران کرد . مدتی است که اهالی فرانسه برای انتقام
از دولت آلمان قشون و آلات حرب مهیا میسازند پس هرگاه با دولت
چین جنگ نماید تا مدتهای مدید از انتقام گرفتن از آلمان محروم خواهند بود
و همین مطلب واضح است که شاهزاده بیزمارک در صدد حمله کردن بر فرانسه برنخواهد
آمد ولیکن ضعیف شدن دولت متفقه فرانسه باعث مسرت و خوشوقتی او خواهد
بود و در ضمن هم هیچ جای تعجب نیست که یک شکوفه تازه شکفته شود یعنی
که در همچنا ربه دولتین مزبورتین اگر با ثمره کمر فرانسه بشکند آنوقت تمام قوت نظامی
او بجودی خود بنای مخالفت را گذاشته و در زیر لوای آلمان داخل شوند .
اما دولت چین مسلم است که الحال سرگرم محاربه با فرانسه است و هیچ همی
سوای این ندارد ولیکن نمیدانیم از آن موشهای بزرگی که در بغل دارد هست خبری

دار دیانه روسیها بلکه در سرحدات او مقیم اند بهیچوجه تعلقات دوستانه
با خاقان چین ندارند و دولت روس پر و بال تند و روانی دارد و مبادا
سپاه چین در اینجا مشغول بجنگ باشند از آنطرف یکمرتبه روسیها بر پا رکنند
و سایر بلاد دیگر حمله آورده و بسیاری از حدود چین را متصرف شوند .
الغرض پس از جنگ و جدال آنچه شدنی است خواهد شد ولیکن این شدة
حمرتیکه در هر صبح و شام و الی آسمان برای اهالی چین ظاهر ساخته است
در هر صورت یک رنگی برای آنها ریخته میشود .
در واقع این شفق فوق العاده عجب تأثیری کرد که نتیجه آن جنگ مابین
دولتین فرانسه و چین بوقوع آمد که از طرفین چندین هزار نفوس در
میان خاک و خون ریخته خواهند شد .

اخبارات تلگرافی خارجه . **قاهره** بتاریخ چهاردهم ماه دسامبر حاکم دونقولا
بتوسط تلگراف اطلاع داده است که جنرال هکس در تاریخ پانزدهم ماه نوامبر صحیح و
سالم بوده اما گروه اشرار طریق مخابره و سلسله تلگراف را مسدود و مقطوع نموده اند

پاریس بتاریخ چهاردهم دسامبر بتوسط تلگراف خبر رسید که آنچه سابق
تحریر یافته بود که مخالفین دولت فرانسه شاه آنام را زهر داده هلاک نموده‌اند
الحال این خبر بتصدیق رسیده است - لیکن از وقوع این خبر ظهور هیچگونه اغتشاش
بنظر نمی‌آید - لشکر فرانسه در اطراف (هیو) بسیار شده‌اند .
و حکم شده است که سه هزار نفر سرباز دیگر هم که در جزو اردوی (جنرال میلت)
هستند بطرف (تنکن) بروند و بعد از ورود این سپاه به تنکن کل تعداد
لشگر فرانسه در آنجا به پانزده هزار نفر خواهد رسید .

پاریس پانزدهم دسامبر خبر رسید که (موسیو فری) جهت مخارج جنگ
تنکن امروز دو کرور سکهٔ فرانک بطور قرض خواهش کرده است .

قاهره بتاریخ پانزدهم ماه دسامبر بتوسط تلگراف خبر رسید که
در اضلاعات صعید مصر مابین اهل اسلام و نصاری بواسطه تعصب
مذهبی اضطراب عظیمی وقوع یافته است و اندیشه این است که عنقریب
فساد عظیمی برپا شود . قاهره شانزدهم ماه دسامبر

خبر رسید که شخصیکه در حین جنگ مابین جنرال هکس و جنود مهدی در آنجا
حاضر بوده است خبر هلاکت کلیه سپاه هکس پاشا را بتصدیق میرساند

پاریس شانزدهم دسامبر بتوسط تلگراف خبر رسید که سه هزار
نفر سپاه معاون در هفته آتیه و سه هزار نفر در نیمه ماه ژانویه بطرف تنکن
روانه خواهند شد و تا ورود سپاه مذکور بر شهر بکنین حمله و یورش
نخواهد شد . لندن بتاریخ هفدهم ماه دسامبر خبر رسید
که شش هزار نفر سپاه فرانسه بدون مزاحمت و تعرض از جانب دشمن در
قرب (سانتی) از جهازات فرود آمده و عزم داشته‌اند که در تاریخ دوازدهم
ماه دسامبر بر شهر سانتی حمله نمایند تعداد سپاه خصم در آنجا بیست هزار نفر است

لندن بتاریخ هجدهم دسامبر از اخبارات تلگرافی ظاهر شد که حکومت
انگلستان بحکومت مصر اطلاع داده است که ما در معامله سودان هیچ
مداخله نخواهیم کرد لیکن دولت عثمانیه را ترغیب و تحریص خواهیم نمود
که سپاه خود را بآنطرف بفرستد . از قراریکه در روزنامهٔ (مارننگ پست)

مرقوم است فوج دسته یکصد و نهم جهة تقویت سپاه انگلیسی مقیم مصر
مأمور آنطرف گردیده است . **رومه** بتاریخ هفدهم دسامبر
خبر رسید که امروز شاهنشاهزاده ولیعهد دولت المان وارد اینجا گردید
و لوازم استقبال و احترام او حسب معمول بجای آورده شد .
قاهره هجدهم دسامبر از اخبارات تلگرافی ظاهر شد آنکه بیکرپاشا
که بسرداری سپاه مأموره جنگ سودان مقرر شده است امروز عازم
سواکم گردید . **لندن** نوزدهم دسامبر دولت انگلستان
مشورة بحکومت مصر گفته است که از سر فتح ملک سودان درگذرد و این خیال
محال را از دل خود بیرون نماید — سپاه از انگلستان یا هندوستان
در هیچ حال برای جنگ بطرف سودان فرستاده نخواهد شد .
اما در حالت ضرورت جهازات حربیه موجوده در دریای (مدی ترانه)
بطرف اسکندریه رفته بانتظام و امنیت آنجا خواهند پرداخت .
پاریس هجدهم دسامبر ارکان و اعاظم دولت فرانسه گرفتن دو کرور

سکه فرانک یعنی (چهل کرور) ایران [illegible] . بطور قرض جهة مخارج
جنگ (تنکن) مضی داشته اند . **هانگکانگ** بتاریخ بیستم
دسامبر — بتوسط تلگراف خبر رسید که خبریکه از تنکن رسیده است ظاهر
میدارد که در تاریخ چهاردهم دسامبر سپاه فرانسه پس از محاربه شدید
با لشگر چین در حوالی شهر (سانتی) تمام سنگرهای لشکر چین واقع
در خارج شهر سانتی را متصرف شدند درین جنگ از طرف سپاه فرانسه
نوزده نفر صاحبمنصب و دویست نفر سرباز بقتل رسیده و نقصان لشگر
چین زیاده بر اینها شده است لشگر فرانسه اراده دارد که در تاریخ شانزدهم
دسامبر بطرف قلعه شهر سانتی یورش آورند .
شاه آنام را که مسموم ساخته بودند بجای او یک شخصی را موسوم به (باکدیو)
شاه آنام قرار داده اند و سپاه فرانسه عنقریب شهر (هوده) را متصرف
خواهد شد . **رومه** در تاریخ بیستم دسامبر شهنشاهزاده ولیعهد
دولت المان پس از ملاقات نمودن با (پاپ) امروز از آنجا روانه گردید

لندن از اخبارات تلگرافی بیست و یکم ماه دسامبر منکشف شد که دولت
انگلیس رسما انکار نموده است که این فوجیکه الحال بطرف مصر فرستاده شد
برای تقویت سپاه موجوده آنجا نبوده بلکه درعوض آن افواجی است که از مصر به
انگلستان مراجعت داده شده بود . **جنرال هکس و سپاه مهدی**
چندی قبل در اخبارات خود نگاشته بودیم که جنگیکه مابین سپاه هکس پاشا
و اتباع مهدی سودانی شده بود در آنجنگ تعداد سپاه پاشای مذکور ده
هزار نفر و لشگر مهدی سی هزار نفر بود ولیکن الحال بتحقیق پیوست که در آنروز
عدد سپاه مهدی سیصد هزار نفر بوده است - نامه نگار میگوید از انجمر معلوم
میشود که مهدی مذکور این اوقات خیلی جمعیت بهم رسانیده و اگر اعلیحضرت
سلطان عثمانیه درصدد حمایت مصر و اندفاع مهدی مزبور بر نیاید هیچ
استبعادی ندارد که یکروز همین مهدی در خود مملکت عثمانیه هم یک اغتشاش
و انقلاب عظیمی برپا نماید . **اخبارات داخله هندوستان وغیره**
شهر سکر نامه نگار مینویسد که درین روزها پنج نفر از صاحبمنصبان اداره نظامات

شهر سکر متعلقه مملکت سند چند نفر از دزدان که در حبسخانه بوده اند بسیار
میزدند باینجرمانه حکمران محکمه قضائیه مشارالیهم را دستگیر کرده پس از تحقیقات
و اثبات جرم ایشان بموجب تفصیل ذیل حکم سزا درباره ایشان داده است
نایب اول سواره پولیس - پنجسال - نایب دوم سواره پولیس چهار سال
و سه نفر از صاحبمنصبان پیاده هرکدامی دو سال بقید با مشقت محبوس شده اند
یقین است که بعد ازین سپاهیان پولیس جرأت نخواهند کرد که دزدان
یا مقصرین را آزار و اذیت نمایند زیرا که این عمل خلاف آئین انگلیس است
شکست سپاه امیر کابل نامه نگار نقل از روزنامه (ملتری گازت)
مینماید که چند روز قبل امیر عبدالرحمن خان لشگر بسیاری بجنگ طایفه (منگل)
که در نواحی (قرم) سکنی دارند فرستاده بود الحال خبر رسیده است که سپاه
امیر کابل از آن طایفه شکست فاحشی خورده و بسیاری از آنها تلف شده اند
میرپور ماتیله که در جزو مضافات شکارپور سند است - چندی قبل شخصی
موسوم به (لعل بخش) از طایفه لشاری بلوچ رفیق زوجه خود را بضرب گلوله

هلاک نموده از خوف اینکه مبادا اسرار او فاش شود نعش او را در میان جنگل برده آتش میزند چون خبر گم شدن مقتول بعمله پولیس رسید شخصی موسوم به کلنل محمد خان که از صاحبمنصبان اداره نظمیه است و بسیار مدبر و باکفایت میباشد پس از تجسس و تفحص بسیار قاتل را دستگیر نموده بعد از ثبوت جرم امر او راجع بمحکمه قصاصیه گردیده است .

پنجاب

نامه نگار مینویسد که درین روزها از قرار مضمون بعضی از اخبارات معلوم شد که این ایام یک معامله عجیب و غریبی در یکی از محکمجات عدلیه مملکت پنجاب انفصال یافته است باینمعنی که در حضور حکمران محکمه عدلیه در ملأ عام یک رسم نکاح و صیغه عقدی برای یکنفر مقصر خوانده شده است تفصیلش اینست که یک شخصی بجرمانه سرقت یک دختری دستگیر شده بود و پس از تحقیق معلوم شد که شخص سارق تا مدت هفت سال بدون مواجب خود را اجیر پدر دختر کرده بود باین شرط که بعد از انقضاء مدت مذکوره پدر دختر آن دختر را بعقد او درآورد پدر دختر نیز این شرط را قبول نموده بود و مشارالیه نیز چندی بخدمتگذاری پدر دختر مشغول میشود از آنجائیکه

آن جوان طاقت انتظار آن مدت را در خود ندید دختر را فریب داده او را با خود برداشته از آنجا فرار میکنند . چون این مقدمه مقدمه سرقت انسان و برده فروشی نبود لهذا رأی حکمران محکمه و سایر مشیران برین قرار گرفت که عقد آن دختر برای آن شخص بسته شود پدر دختر هم این تجویز را باین شرط قبول نمود که اگر اقربای آن شخص دختر عم او را به پسرش که برادر دختر باشد بدهند اجرای عقد بشود چنانکه اقربای آن شخص هم قبول این مطلب نموده در همان محکمه یک عاقدی را طلبیده در حضور حکمران محکمه عقد آن دختر با آن شخص بسته شد و دختر عم او را هم در همان مجلس نامزد برادر دختر نمودند .

احتراق

بتاریخ سی ام ماه نوامبر در شهر (نیورک) واقع در مملکت امریکا یک عمارت مهمانخانه و تماشاخانه بیکمرتبه آتش گرفته بطوریکه هر دو مکان مذکوره سوخته و خاکستر شده است

تقریبا هفتاد هزار دلار نقصان وارد آمده است

ترجمه چاکر و دعاگوی دولت ابدآیت سید حسین شیرازی عبید چاکر
جان نثار میرزا محمد قزوینی عاشوری منشی دار الترجمه خاصه همایونی
فی بیست و هشتم شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۱

دار الترجمهٔ خاصهٔ همایونی